



## جایگاه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی

سید ابراهیم میرعالی<sup>۱\*</sup>، زهرا میرهاشمی<sup>۲</sup>، سیده نصیبه میرعالی<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، نویسنده و مسئول

۲- کارشناس پرستاری، پرستار بیمارستان امام علی (ع) اندیمشک

۳- معلم، کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی است. و روش آن توصیفی و از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری آن را زوجین ساکن شهر اندیمشک تشکیل می‌دهند که یک سال از ازدواج آن‌ها گذشته است. نمونه آن شامل، ۱۰۰ زوج (۵۰ زوج رضایت‌مند و ۵۰ زوج دارای تعارض) است که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. ابزار آن پرسش‌نامه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی (والگن، ۲۰۱۱)، و پرسش‌نامه رضایت زناشویی هودسن با قابلیت اطمینان به ترتیب ۰/۸۳۳ و ۰/۷۶ (آلفای کرونباخ) است و داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون تعقیبی توکی و نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در میزان اعتماد در روابط بین فردی تفاوت معناداری وجود دارد و زوجین دارای تعارض، اعتماد در روابط بین فردی کمتری را نسبت به زوجین رضایت‌مند در روابط نزدیک بین فردی زناشویی خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، اعتماد در روابط بین فردی در بین زنان و مردان نیز به طور معناداری متفاوت است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که ساختار یک خانواده متعادل بر پایه روابط نزدیک بین فردی زناشویی صحیح استوار است. یکی از عواملی مهم در استحکام این رابطه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین است. نتیجه‌گیری: در جوامع امروزی شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسئولیت و قدرت و افزایش تساوی‌گرایی میان زوجین بوده‌ایم، اما این تغییر ساختاری هنوز با باورهای جنسیتی در مورد نقش‌ها در خانواده همراه نیست. این عامل موجب ایجاد احساس ناعدالتی و شکست‌های عاطفی به تبع آن نارضایتی در زوجین به خصوص در میان جامعه زنان است. به گونه‌ای که در تبیین اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی، تفاوت‌های ویژه‌ای دیده می‌شود شایسته است عملکرد زوجین در مورد ایجاد اعتماد در روابط نزدیک بین فردی مورد توجه خاص قرار گیرد.

**کلید واژه:** اعتماد، روابط نزدیک بین فردی، زوجین رضایت‌مند، زوجین دارای تعارض و زناشویی



امروزه مفهوم اعتماد در روابط نزدیک به عنوان یک ساختار ضروری در رضایت مندی زناشویی، به ارزشمندترین و نزدیکترین بخش روابط بین فردی زوجین مرتبط می‌شود. پیوند زناشویی به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی، برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال همواره مورد تأیید بوده است. ازدواج رابطه‌ای انسانی، پیچیده، ظریف و پویا می‌باشد که از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. مسأله روابط زناشویی به عنوان مهم‌ترین عامل از هم پاشیدگی ازدواج یا دور شدن زوجها از یکدیگر است، که می‌تواند مسایلی از قبیل بی‌اعتمادی در روابط نزدیک، عدم درک هم‌دیگر، برآورده نشدن انتظارات و خواسته‌ها و واکنش‌های رفتاری نامطلوب را به دنبال داشته باشد (برنشتاین و برنشتاین، ۲۰۰۵). محققان اعتماد در روابط را به عنوان رضایت مندی مشترک به وابستگی طرف مقابل با احساس امنیت نسبی، حتی اگر احتمال رخداد پیامدهای ناسازگار وجود داشته باشد، تعریف می‌کنند. شماری از محققان به اعتماد به عنوان وابستگی به طرف دیگر اشاره کرده‌اند (زومکا، ۱۹۹۹).

اعتماد بین فردی را باید یک مفهوم خاص فردی دانسته که یک فرد وابسته به فرد خاص دیگری است. این نوع اعتماد یک مفهوم خاص وضعیتی است که در وضعیت و موقعیت‌های خاصی به کار برده می‌شوند. اعتماد بین فردی حوزه‌ای از تعاملات میان همسران، دوستان، همکاران و همچنین اعتماد میان اعضا خانواده، سرپرست و کارگر، معلم و شاگرد، فروشنده و مشتری، پزشک و بیمار، راننده و مسافر و غیره ... را در برمی‌گیرد (بلوم دست و استال، ۲۰۰۰). این چنین اعتمادی در روابط چهره به چهره خود را نشان می‌دهد این شکل از اعتماد موانع ارتباطی را مرتفع می‌سازد و با کاستن از حالت دفاعی، بسیاری از تعاملات مؤثر را موجب می‌شود (خنیفر، ۱۳۸۹). هم‌زیستی مستقیم بین تعامل کنندگان همراه با حسن نیت به دیگری ویژگی است که اعتماد بین فردی را از دیگر شکل‌های اعتماد جدا می‌کند (چاتورویدی و گاور، ۲۰۰۲) و موجب (گیفین، ۱۹۶۷)، اتکای فرد به طرف مقابل، به منظور دستیابی به اهداف مطلوب در یک موقعیت مخاطره‌آمیز می‌شود. با این وجود بسیاری از صاحب‌نظران مانند (مک آلیستر، ۱۹۹۵)، اعتماد بین فردی را به عنوان حدودی تعریف می‌کنند که یک فرد به دیگری اطمینان کرده و تمایل دارد تا بر مبنای این اطمینان عمل کرده و تصمیم‌گیری کند (امیرکافی، ۱۳۸۰). که این تصمیم‌گیری سه عنصر پیامدهای شناختی بالقوه، دل‌بستگی و وابستگی و احساس امنیت را در بر می‌گیرد (سون درس و تورن هیل، ۲۰۰۳)، پیامدهای شناختی، اعتماد را با اهمیت می‌سازد، اما این پیامدهای مشکل‌ساز است. بعضی از محققان به پیامدهای شناختی به عنوان یک ریسک نگاه می‌کنند. در حالی که بعضی دیگر آن را به عنوان عدم اطمینان تعریف می‌کنند. در هر حالت محققان معتقدند موقعی که نتایج شناختی ممکن باشد تعاملات نیازمند اعتماد است. شماری از محققان بر اعتماد به عنوان وابستگی به طرف دیگر اشاره می‌کنند. اگر یک طرف نیازمند وابستگی به طرف دیگر نباشد به وی اعتماد نخواهد کرد. امرسون وابستگی را به عنوان مخالف قدرت تعریف می‌کند در این حالت وقتی یک طرف به طرف دیگر وابسته است طرف مقابل بر او اعمال قدرت می‌کند. از آن جایی که اعتماد به عنوان رضایت مندی یا تمایل به وابستگی تعریف می‌شود. در چنین حالتی فرد تمایل دارد که فرد دیگری در یک موقعیت خاص بر او اعمال قدرت نماید. در ادبیات اعتماد، به تأثیر مقابل بین اعتماد و قدرت توجه شده است. به هر حال قدرت و اعتماد به طور واضح تعریف نشده‌اند. در اعتماد، فرد با پیامدهای شناختی مواجه است برای



این که احساس امنیت نماید باید با رضایت مندی خود، به طرف دیگر وابسته شود و ترس نداشته باشد، از این که کارها مطابق میل وی انجام نمی گیرد، بلکه از این لحاظ یک نوع آرامش و احساس امنیت نسبی کند (خنیفر، ۱۳۸۹). زن و شوهر برای وصول اعتماد و اطمینان کامل نسبت به یک دیگر در درجه اول، هر دو موظف هستند، از انجام هر نوع رفتاری که موجب توهم و سوءظن می گردد، شدیداً اجتناب کنند و از ابزار کلمه یا جمله‌هایی که در طرف مقابل شک و تردید ایجاد می نماید پرهیز کنند. حتی شوخی کردن زن و مرد با یک دیگر، ممکن است در مواردی بذری بدبینی و سوءظن را در دل طرف مقابل بکارد و پس از گذشت مدت زمانی زن و شوهر نسبت به یک دیگر بدگمان شوند، ثانیاً، اگر امر مشکوکی پیش آمد بلافاصله آن‌ها را به طور صحیح و منطقی توجیه نمایند و از ظهور و بروز وسوسه‌های شدید جلوگیری به عمل آورند. زندگی خانوادگی یک نوع مشارکت است و اولین و اساسی ترین شرط در آن اطمینان و اعتماد شرکاء نسبت به یک دیگر است. اساساً اگر رضایت مندی زناشویی حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش باشد، عدم رضایت مندی فقط هنگامی خواهد بود که دو شریک از چیزی رنج ببرند. البته نظر افراد در این باره که چه اموری رضایت بخش و یا نارضایت بخش است، ممکن است با گذشت زمان و رشد طبیعی انسان تغییر کند. رابطه‌ای را که یک زوج در بیست سالگی، فوق العاده رضایت بخش می دانند ممکن است در چهل سالگی با ایجاد علایق و شغل‌های جدید در طی این سال‌ها چندان رضایت بخش نیابند و یا نامزدی که زمانی بهترین انتخاب تلقی می شده است، در صورتی که امکان انتخاب نامزدهایی زیباتر و بهتر وجود داشته باشد، احتمالاً دیگر آنچنان راضی کننده نخواهد بود و ممکن است با شروع زندگی و دیدن خطاهای همسر در طول سال‌ها، رضایت از همسر کاهش یابد (میرعالی و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیتی که جامعه برای رضایت زناشویی زوجین قائل است، بررسی و شناخت عواملی که منجر به رضایت طرفین گردد ضروری به نظر می رسد. رضایت فرد از رابطه بین فردی زناشویی به منزله رضایت وی از زندگی و احساس خوشایندی است که به وسیله‌ی یک زوج تجربه می شود رابطه بین فردی زناشویی مثبت پیش‌بینی کننده‌ی کیفیت رضایت زناشویی و رابطه بین فردی منفی ملاک تشخیص زوجین مشکل دار و دارای تعارض است. رابطه خشک و نفوذ ناپذیر و یا غیر مؤثر پیش‌بینی کننده مهمی برای طلاق زوجین می باشد (گاتمن، ۱۹۹۴). در زمینه رضایت مندی زناشویی به اعتماد در رابطه بین فردی به عنوان یک عامل مؤثر بر نحوه‌ی رضایت افراد از زندگی زناشویی توجه خاص شده است. مهارت‌های ارتباطی زوج‌های جوان همراه با اعتماد در رابطه در تمامی جنبه‌های زندگی مشترک آن‌ها از جمله عشق ورزی، همکاری در ایجاد فضای آرام بخش و صمیمی، همکاری در اداره امور و ایجاد رضایت از روابط جنسی و حفظ و مراقبت از روابط با دوستان و خانواده به ویژه اعتماد در رابطه بین فردی تأثیر شگرفی دارد. علاوه بر این رضایت فردی هر یک از زوج‌ها در جنبه‌های دیگر زندگی متأثر از مهارت‌های وی در ایجاد اعتماد در رابطه بین فردی بوده و این خود در رضایت زناشویی نقش پر اهمیتی دارد (جراره و احمدی، ۱۳۸۷). یک رابطه‌ی صمیمانه همراه با اعتماد در روابط لزوماً مترادف با یک درگیری عاطفی و رفتاری نیست، بلکه صمیمیت و اعتماد در روابط، اغلب از طریق حل موفقیت آمیز تعارض زناشویی به گونه‌ای حاصل می شود که رضایت طرفین را در برداشته باشد. بنابراین نه خود تعارض، بلکه نحوه‌ی کنار آمدن با تعارض است که می تواند مخرب یا سازنده باشد (رسولی، ۱۳۸۰).



برلسون و دنتون (۱۹۹۷)، تأیید و تصدیق کرده‌اند که در بیشتر مواقع علت نارضایتی زناشویی کمبود مهارت‌ها در ایجاد اعتماد در روابط در بعضی از زوجین می‌باشد. (اوکان، ۱۹۹۱)، زوجینی که در ایجاد اعتماد در روابط مهارت خوبی دارند از رضایت و خرسندی بیش تری در مقایسه با زوجینی که مشکلاتی در برقراری روابط داشته‌اند بهره‌مند هستند. تعارض، از دو عمل، تمایل یا هدفی که هم زمان مخالف یک دیگر است ناشی می‌شود. زمانی که تعارض به میزان زیادی در زندگی زوجین بروز نماید و زوجین نتوانند به نحو مؤثر با آن کنار بیایند پیامدهای منفی فراوانی برای آن‌ها به بار خواهد آمد (رسولی، ۱۳۸۰). سبک‌های اعتماد در روابط زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره چندان مطلوب و رضایت بخش نیست و همین امر سبب شده بود که در برقراری روابط صحیح و کارآمد با مشکلاتی مواجه شوند. بدون شک یکی از عوامل از هم پاشیدگی زندگی این زوج‌ها فقدان آموزش‌های لازم در زمینه برقراری رابطه و ایجاد اعتماد در روابط و شیوه‌ی صحبت کردن آن‌ها با یک دیگر می‌باشد. افزایش روز افزون طلاق در دنیای کنونی متأسفانه جامعه‌ی فعلی ما را نیز در بر گرفته و باعث نارضایتی زن و شوهر از یک دیگر از هم گسیختگی کانون‌های گرم بسیاری از خانواده‌ها شده است، تأثیرات سوء این جدایی بر افراد خانواده، نیاز به رسیدگی و رفع این مشکل را مطرح ساخته است. با توجه به این که رضایت یا نارضایتی زناشویی زوجین تحت تأثیر فرآیندهای مختلفی از جمله اعتماد در روابط بین فردی می‌باشد، این فرآیند به عنوان فرآیند تأثیر گذار بر رضایت زناشویی می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. با این مقدمه، این پژوهش به دنبال بررسی مقایسه‌ای بین مؤلفه اعتماد در روابط بین فردی زوجین رضایت مند و دارای تعارض زناشویی بود تا با شناخت و آگاهی از این فرآیند مشخص سازد که آیا بین زنان و مردان رضایت مند و دارای تعارض زناشویی در مؤلفه اعتماد در روابط بین فردی نزدیک تفاوت وجود دارد؟ این موضوع به اندازه‌ای ارزشمند به نظرمی رسد که ضرورت دارد در این رابطه پژوهش‌های متعددی صورت گیرد.

## روش تحقیق

**طرح پژوهش:** طرح این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی و علی مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل تمامی زوجین شهر اندیمشک که حداقل ۱ سال از ازدواج آن‌ها گذشته بود. انتخاب این جامعه از آن جهت بود که اثرشور و شوق اولیه زندگی بر اعتماد در رابطه زناشویی کنترل شود زیرا فرض بر آن بود که در ابتدای ازدواج میزان کیفیت رابطه زناشویی همراه با اعتماد متقابل در رابطه بین فردی بالا است. از آن جایی که در این پژوهش امکان نمونه‌گیری تصادفی وجود نداشته، از روش نمونه‌گیری داوطلبانه و در دسترس استفاده شد و تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زوج) در این پژوهش شرکت نمودند.

**ابزار: الف-** پرسش نامه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی: این پرسشنامه در پژوهشی که به موضوع سازه‌های اعتماد در روابط نزدیک بین فردی توسط (والگن، ۲۰۱۱)، انجام گرفته است و تعداد ۶۰۵ نفر در آن شرکت داشته‌اند و قابلیت اطمینان ۰/۹۵ (آلفای کرونباخ) را به همراه بود. مورد استفاده قرار گرفته است. در ایران نیز برای اولین بار توسط پژوهشگ ( میرعالی و همکاران، ۱۳۹۱)، ترجمه و در پایان نامه کارشناسی ارشد با نمونه ۳۲۴ نفر با قابلیت اطمینان



۰/۸۳۳ (آلفای کرونباخ) تایید و مورد استفاده قرار گرفته است این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی ۲۴ گویه ای است، که هدف آن آگاهی از پیش بینی افراد از نحوه ی برخورد همسرشان با آنها در آینده است و دارای چهار زیرمقیاس: قابلیت پیش بینی پذیری نه عبارت (۷،۸،۱۴،۱۵،۱۶،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱)، مقیاس خیرخواهی پنج عبارت (۴،۶،۹،۱۲،۱۳)، قابلیت اعتماد و اطمینان هفت عبارت (۱،۳،۵،۱۱،۱۲،۱۳،۲۳)، و مقیاس عقاید و ایمان پنج عبارت (۲،۱۰،۱۷،۲۲،۲۴) است. پیش بینی پذیری به عنوان (توانایی ما در پیشگویی رفتار های خاص همسرمان اعم از مطلوب و نامطلوب) تعریف شده است. فرد پیش بینی پذیر به طور یکسان و ثابتی رفتار می کند و این ثبات رفتار، حتی شامل جنبه های بد رفتار او نیز می شود. عقاید (ایمان) میزان ایمان و اعتمادی که نسب به همسر خود در تمام حالات زندگی دارد، بیان می شود، قابلیت اعتماد و اطمینان به صورت (توانایی اعتماد به همسر در هنگام مواجهه با خطر و آسیب بالقوه) تعریف شده و نیز به معنای ویژگی ای که فرد را قادر می سازد احساس کند همسرش به حمایت و توجه به او ادامه می دهد و در همه حال خیرخواه و وفادار به او است.

**ب - پرسشنامه ی (شاخص) رضایت زناشویی هودس** شاخص رضایت زناشویی که توسط (هودسن، ۱۹۹۲) تهیه شده است، یک ابزار ۲۵ سؤالی است که برای اندازه گیری میزان، شدت یا دامنه مشکلات زن و شوهر در رابطه ی زناشویی تدوین شده، دارای روایی سازه ای خوبی است و با مقیاس هایی که نباید همبستگی داشته باشد، همبستگی ضعیفی دارد (صداقت، ۱۳۸۱) و هم چنین با چندین مقیاس که باید همبستگی خوبی داشته باشد، مانند مقیاس رضایت جنسی و رضایت زناشویی اینریچ همبستگی معناداری نشان می دهد (ثنایی، ۱۳۷۹). شاخص رضایت زناشویی با ضریب همبستگی ۰/۹۶ در بازآزمایی دو ساعته از یک اعتبار کوتاه مدت عالی برخوردار بوده است. پایایی این آزمون نیز از طریق آلفای کرونباخ توسط (ثنایی، ۱۳۸۷)؛ (ابراهیم نژاد، ۱۳۸۱)؛ (حقیقی، ۱۳۸۹) و (بهمنی، ۱۳۹۰)، بالاتر از ۰/۷۶ به دست آمده که نشان دهنده همسانی درونی آن است. پاسخ ها در یک طیف ۷ لیکرتی از هیچ گاه و همیشه تنظیم شده است و نمره گذاری آن نیز به این شکل است که نمرات ۳۵ به پایین نشانه ی عدم مشکلات مهم بالینی در رابطه و نمرات ۳۵ به بالا دلالت بر وجود مشکلات بالینی قابل ملاحظه دارد.

**شیوه گردآوری داده ها:** ابتدا پس از تهیه ی پرسشنامه ها، تعداد ۲۴۰ پرسش نامه بین شرکت کنندگان توزیع گردید. و سعی شد زن و شوهر جداگانه آن را تکمیل کنند در مجموع به علت عدم عودت تعداد ۱۴ پرسش نامه از پرسش نامه ها تعداد ۲۲۶ نفر به پرسش نامه های این پژوهش پاسخ دادند. از آنجا که نمی توان زوجین رضایتمند و متعارض به صورت فرضی انتخاب کرد، لازم بود برای شناخت وضعیت رضایت مندی آن ها نمرات کسب شده، در شاخص رضایت زناشویی محاسبه شود که محقق پس از جمع آوری داده های پرسشنامه رضایتمندی، به هر گویه یک امتیاز اختصاص داد و با جمع نمرات کسب شده توسط هر زوج، امتیاز نهایی را محاسبه نمود و سپس زوجینی که کمتر از دو سوم نمرات را کسب کرده بودند به عنوان زوجین متعارض شناخته شدند از این طریق این دو گروه را تفکیک نموده است. علاوه بر آن زوجینی که یکی از آنها رضایتمند و دیگری داری تعارض شناخته شده بود از جریان تحلیل حذف شدند. جهت حذف متغیرهای مداخله گر، دو گروه داری تعارض و رضایت مند از نظر سطح تحصیلات، سن، تعداد فرزند و شغل، به عنوان متغیرهای تاثیر گذار در رضایت و تعارض زناشویی همگن شد و ۲۶ پاسخ نامه ناقص بود که از



آمار شرکت کنندگان در پژوهش کسر شدند. در پایان ۲۰۰ پاسخ نامه به شکل مساوی ۵۰ زوج به عنوان گروه رضایتمند و ۵۰ زوجین به عنوان گروه دارای تعارض تفکیک شدند. همان طور که ذکر شد، ابتدا زوج ها با توجه به نمره آزمون رضایت زناشویی به دو گروه رضایت مند و دارای تعارض تقسیم شدند، پس از آن به دلیل آن که مقایسه ی میانگین بیش از دو گروه (زن و مرد؛ رضایت مند و دارای تعارض) مد نظر بوده، از آزمون تحلیل واریانس تحلیل واریانس یک راهه و از آزمون تعقیبی توکی برای پی گیری تفاوت های بین گروهی استفاده شده است. سطح معناداری  $P < 0.01$  در نظر گرفته شده و برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار آماری SPSS ۱۶ استفاده شده است.

## یافته ها

### آیا بین زنان و مردان رضایتمند و دارای تعارض زناشویی در مؤلفه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی تفاوت وجود دارد؟

جدول ۱: توزیع فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، خطای استاندارد شرکت کنندگان در پژوهش

متغیرها	گروه ها	فراوانی	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
اعتماد	مردان دارای تعارض زناشویی	۵۰	۲/۸۵	۱/۱۷۰	۰/۱۶۶۸
	زنان دارای تعارض زناشویی	۵۰	۳/۰۵	۱/۲۰۰	۰/۱۷۰۴
روابط	مردان رضایت مند	۵۰	۵/۴۴	۰/۵۱۰	۰/۰۷۲۲
	زنان رضایت مند	۵۰	۶/۱۲	۰/۹۴۴	۰/۱۳۳۶
نزدیک	کل	۲۰۰	۴/۳۱	۱/۷۲۰	۰/۱۲۱۶

در جدول ۱، توزیع فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، خطای استاندارد شرکت کنندگان در پژوهش برحسب مرد و زن رضایتمند و دارای تعارض زناشویی در متغیر اعتماد در روابط نشان داده شده است. همان طور که در این جدول آمده است تعداد مردان دارای تعارض ۵۰ نفر، زنان دارای تعارض ۵۰ نفر، مردان رضایتمند ۵۰ نفر، زنان رضایتمند ۵۰ نفر که میانگین نمره اعتماد در روابط آنان به ترتیب ۲/۵۸، ۳/۰۵، ۵/۲۴، ۶/۱۲، انحراف استاندارد ۱/۱۷۰، ۰/۵۱۰، ۰/۹۴۴، ۰/۱۳۳۶، خطای استاندارد ۰/۱۶۶۸، ۰/۱۷۰۴، ۰/۰۷۲۲ و ۰/۱۳۳۶ می باشد.

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس یک راهه مربوط به اعتماد در روابط در آزمودنی های مورد مطالعه

منبع تغییر	مجموع مجدورات	درجه آزادی	مجدور میانگین ها	F	سطح معنی داری
بین گروهی درون	۳۹۳/۱۱	۳	۱۳۱/۰۳	۱۳۱/۱۲	۰/۰۰۱
گروهی	۱۹۵/۸۷	۱۹۶	۰/۹۹۹		
کل	۵۸۸/۹۸	۱۹۹			



جهت تجزیه و تحلیل سؤال پژوهش که مقایسه میزان اعتماد در روابط بین چهار گروه (مردان دارای تعارض زناشویی، زنان دارای تعارض زناشویی، مردان رضایت‌مند و زنان رضایت‌مند) بود از آزمون آماری تحلیل واریانس یک راه استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون که در جدول ۲، آمده است حاکی از آن می‌باشد که بین چهار گروه (مردان دارای تعارض زناشویی، زنان دارای تعارض زناشویی، مردان رضایت‌مند و زنان رضایت‌مند) در متغیر اعتماد در روابط تفاوت وجود دارد که با توجه به مقدار  $F=131/12$  این تفاوت بین چهار گروه در سطح  $p < 0/001$  معنادار می‌باشد. برای مشخص کردن این که این تفاوت‌ها در کجا قرار دارند و بین کدام گروه‌ها معنی‌دار و بین کدام گروه‌ها معنادار نیست و روشن تر شدن هر چه بیشتر این تفاوت‌ها از آزمون تعقیبی توکی استفاده شده است که نتایج و تفسیر آن در جدول ۳ به طور کامل شرح داده شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای پی‌گیری تفاوت‌های بین گروهی متغیر اعتماد در روابط

متغیر وابسته	گروه‌ها	تفاوت میانگین‌ها	خطا انحراف استاندارد	سطح معنی‌داری
مردان دارای تعارض	زنان دارای تعارض	-/۲۰	۰/۱۹۹	۰/۷۳۶
	مردان رضایت‌مند	-۲/۳۹	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	زنان رضایت‌مند	-۳/۲۷	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
اعتماد در روابط	مردان دارای تعارض	۰/۲۰	۰/۱۹۹	۰/۷۳۶
	مردان رضایت‌مند	-۲/۱۸	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	زنان رضایت‌مند	-۳/۰۶	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
نزدیک	مردان دارای تعارض	۲/۳۹	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	زنان دارای تعارض	۲/۱۸	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	زنان رضایت‌مند	-/۸۷	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
زنان رضایت‌مند	مردان دارای تعارض	۳/۲۷	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	زنان دارای تعارض	۳/۰۶	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
	مردان رضایت‌مند	۰/۸۷	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱

نتایج حاصل از آزمون تعقیبی توکی در جدول ۳ حاکی از آن می‌باشد که بین مردان و زنان دارای تعارض زناشویی در مؤلفه اعتماد در روابط تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ولی با توجه به آن چه در جدول ۳، آمده است میانگین نمره اعتماد در روابط زنان دارای تعارض زناشویی از مردان دارای تعارض زناشویی با اختلاف ۰/۲۰ بیشتر می‌باشد ولی این تفاوت معنی‌دار نمی‌باشد، بین مردان دارای تعارض زناشویی و مردان رضایت‌مند، مردان دارای تعارض زناشویی و زنان رضایت‌مند، زنان دارای تعارض زناشویی و مردان رضایت‌مند، بین زنان دارای تعارض زناشویی و زنان رضایت‌مند و بین مردان رضایت‌مند و زنان رضایت‌مند تفاوت معنی‌داری در سطح  $p < 0/001$  وجود دارد، که این تفاوت میانگین‌ها به ترتیب با اختلاف ۰/۸۷ و ۳/۰۶، ۲/۱۸، ۳/۲۷، ۲/۳۹ بیشتر است.



## نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی بود. که در این پژوهش به مقایسه‌ی اعتماد در روابط بین فردی بین دو گروه رضایت‌مند و دارای تعارض براساس تفکیک جنسیت (زن و مرد) پرداخته شده است. یافته‌های حاصل از تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین زوجین رضایت‌مند و دارای تعارض زناشویی در میزان اعتماد در روابط بین فردی تفاوت معناداری وجود دارد و زوجین دارای تعارض، اعتماد در روابط بین فردی کمتری را نسبت به زوجین رضایت‌مند در روابط نزدیک بین فردی زناشویی خود احساس می‌کنند. علاوه بر آن، اعتماد در روابط بین فردی در بین زنان و مردان نیز به طور معناداری متفاوت است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که ساختار یک خانواده متعادل بر پایه روابط نزدیک بین فردی زناشویی صحیح استوار است. یکی از عواملی مهم در استحکام این رابطه اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین است.

پیونده زناشویی همانند پیوند یک نهال جوان است که از پیوند دو قلمه با همدیگر، یک نهال جدید به وجود می‌آید، ریشه می‌زند، رشد می‌کند، تنومند می‌شود و سپس ثمر خواهد داد، با پیوند زناشویی زوجین (مرد و زن)، نهال زندگی مشترک آنها شروع به رشد خواهد نمود، جوانه‌های اعتماد در روابط نزدیک بین فردی اولین جوانه‌ها در ریشه هر پیوند زناشویی خواهد بود که شروع به رویدن می‌کند، و سپس دلبستگی دومین جوانه‌ی در ریشه نهال پیوند زناشویی است که آغاز به رویش می‌کند هرچه زمان بگذرد، ریشه‌ها بیشتر رشد می‌کنند و نهال استحکام بیشتری در برابر عوامل محیطی و طبیعی خواهد داشت، در پیوند زناشویی هرچه اعتماد و دلبستگی زوجین نسبت به همدیگر بیشتر باشد پیوند آنها مستحکم‌تر خوانده شد عوامل زیادی بر این استحکام تاثیر خواهد داشت، از جمله ویژگی‌های شخصیتی درهریک از زوجین، فرهنگ، دین و مذهب، عوامل طبیعی و محیطی، مال و ثروت، اخلاق، اعضای خانواده و ... اما گاهی عواملی دست در دست همدیگر می‌دهند تا این درخت پیوند زناشویی با ریشه‌های اعتماد و دلبستگی در روابط نزدیک بین فردی را ریشه کن کنند، این عوامل سبب بی‌اعتمادی در زوجین می‌شوند که بی‌میلی‌های عاطفی یکی از ده‌ها عامل است. بی‌میلی‌های عاطفی سرآغاز بی‌اعتمادی در بین زوجین بوده و به تبع آن شلاق بر پیکر نهال پیوند زناشویی و خشکاندن ریشه دلبستگی درهریک از زوجین است. این مهم شکست‌های عاطفی، طلاق عاطفی و به‌پیرو آنها زمزمه جدایی را رقم خواهد زد.

در خانواده‌های امروزی در چند دهه‌ی اخیر با جا به جایی نقش‌ها و گاه با اغتشاش نقش‌ها مواجه بوده‌اند و این مهم به دلایل متعدد اتفاق افتاده است، و محوریت و مدیریت خانم‌ها در خانواده نسبت به سابق بیشتر است و نقش محوری مرد در خانواده کم‌رنگ‌تر گردیده است. خانواده‌ها اکثراً تمایل به هستی بودن دارند، بدون این که مکانیسم‌های لازم برای یک زندگی مستقل را کسب کرده باشند در چنین خانواده‌هایی روز به روز مقدمات تدارک مادی یک زندگی مستقل افزایش می‌یابد، در نتیجه نرخ ازدواج کاهش یافته و روز به روز آمار جدایی‌ها افزایش می‌یابد. کوشش برای پیشگیری و درمان این امر مشکل به نظر می‌رسد (عامری، ۱۳۸۲). از سوی دیگر بسیاری مواقع، اجرای موفق مسؤلیت‌های اجتماعی و تربیتی افراد تحت الشعاع اعتماد در روابط نزدیک و رضایت از آن رابطه قرار گرفته است. وقتی افراد با تشنج





خاطر و رضایت زناشویی پایین به انجام بسیاری از وظایف خود می پردازند، فقدان انرژی و تمرکز حواس و گاهی کمبود انگیزه و از دست دادن هدف، مانع از ایفای نقش مؤثر آن ها خواهد شد (مهدویان، ۱۳۷۶). با وجودی که هر یک از زوجین در زندگی زناشویی براساس ویژگی های شخصیتی پایگاه اجتماعی، تحصیلات، سن، فرهنگ، و الگوهای رفتاری آموخته شده، بر خوردهای خاص و منحصر به فردی را با یک دیگر دارند، اما در بسیاری خانواده ها ریشه اصلی مشکلات و نزاع ها مشابه و دارای راه حل های یکسان است. پس همسرانی که در شروع زندگی مهارت های لازم برای پیشگیری و رفع مشکلات احتمالی در روابط نزدیک بین فردی را می آموزند، علاوه بر افزایش اعتماد خود قابلیت بیشتری برای دیگر فعالیت های زندگی و خود شکوفایی خواهند داشت. ارتباطات مؤثر موجب اعتماد سازی در رابطه ی نزدیک بین فردی عمیق بین زوجین می گردد که هم در جنبه های زندگی و هم در بخش های جامعه می توان آن را احساس کنند. عدم استفاده از مهارت های لازم برای شروع و ادامه یک رابطه مثبت همراه با اعتماد در رابطه نزدیک در زندگی زناشویی لذت بخش می تواند منجر به تنهایی، بیماری جسمی و فشار روانی، احساس عدم صلاحیت و نارضایتی شغلی، مشکلات خانوادگی و حتی مرگ هر یک از زوجین شود (جعفری، ۱۳۸۶). بی اعتمادی در روابط و ناامیدی از بهبود روابط زوجین، بینش های سوگیرانه و نادرست، روابط غلط، علاوه بر اثرات سوئی که بر روابط نزدیک بین فردی همسران می گذارد، بی تردید ساختار خانواده را نیز متزلزل می نماید. تزلزل خانواده نیز بر سلامت روان کودکان و رشد طبیعی و سالم آن ها اثرات مخربی برجای می گذارد. براین اساس توجه به خانواده و بهبود روابط زوجین که الگوی اصلی و اولیه فرزندان هستند، ضروری به نظر می رسد. بالعکس زمانی که روابط نزدیک زوجین مبهم، متعارض یا دو پهلو باشد، یک دیگر را درک نکنند و یا برای خواسته های دیگری ارزشی قایل نباشند، توانایی حل مشکلات و توافق بر سر موضوعاتی از قبیل روابط جنسی رضایت بخش، نحوه معاشرت و رفت و آمد با خویشان، گوش دادن به یک دیگر، گذراندن اوقات فراغت، تربیت فرزندان و نحوه ی خرج کردن پول، نداشته باشند، در نتیجه احساس دوری و عدم اعتماد کرده اند و ممکن است در جستجو و دستیابی به راه حل هایی باشند که هیچ کمکی به آن ها نکرده و باعث بدتر شدن وضعیت شود. بنابراین بخش مهم ارزیابی خانواده کیفیت اعتماد در روابط نزدیک زناشویی است در واقع آن ها باید یک دیگر را سیراب از محبت، تصدیق و حمایت نمایند. رابطه زناشویی باید براساس اعتماد و اطمینان و احترام متقابل باشد که در این امر عوامل عاشقانه و صمیمیت نیز دخالت دارند. علاوه بر این هر یک از زوجین نیازمند همسر با کفایت و آگاهی هستند که بتواند به موقع به حل تعارضات موجود بپردازد (عامری، ۱۳۸۲). در جوامع امروزی شاهد تغییراتی در ساختار خانواده، همچون تغییر در الگوهای تقسیم مسؤلیت و قدرت و افزایش تساوی گرایی میان زوجین بوده ایم، اما این تغییر ساختاری هنوز با باورهای جنسیتی در مورد نقش ها در خانواده همراه نیست. این عامل موجب ایجاد احساس ناعدالتی و شکست های عاطفی به تبع آن نارضایتی در زوجین به خصوص در میان جامعه زنان است. به طوری که در تبیین اعتماد در روابط نزدیک بین فردی زوجین رضایت مند و دارای تعارض زناشویی، تفاوت های ویژه ای دیده می شود به گونه ای که شایسته است عملکرد زوجین در مورد ایجاد اعتماد در روابط نزدیک بین فردی مورد توجه خاص قرار گیرد.



- امیرکافی، مهدی، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. نمایه پژوهش، سال پنجم، ۱۳۸۰، شماره ۱۸، ص: ۴۲ و ۱۱  
برنشتاین، ف. اچ. و برنشتاین، م. تی، زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری-ارتباطی. ترجمه حسن پور، عابدی نایینی و  
غلامرضا منشی، ۱۳۸۴، چاپ دوم. تهران: انتشارات رشد.
- ثناپی، باقر، مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۷۹، چاپ اول.  
جراره و احمدی، ارتباط درمانی زوجها و خانواده. تهران: انتشارات رشد فرهنگ، ۱۳۸۷.  
جعفری، علی رضا، بررسی اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی پیش از ازدواج بر افزایش رضایت زناشویی پس از  
ازدواج در شهر کرج، ۱۳۸۶.
- خنیفر، حسین و زرنندی، نفیسه، بازکاوی مفهوم اعتماد در سازمان انتشارات مؤسسه انتشارات بعثت تهران، زمستان ۱۳۸۹  
، چاپ اول  
رسولی، محسن؛ نوایی نژاد، شکوه؛ ثناپی، باقر، رابطه بین الگوهای ارتباط زوجهای دانشجوی و الگوهای ارتباط والدین  
آنها، تحقیقات زنان، ۱۳۸۷، ۲(۴)، ۹۹-۸۳.
- ز تو مکا، پیوتر، نظریه جامعه‌شناختی اعتماد، غلامرضا غفاری، تهران، شیرازه، ۱۳۸۶.
- عامری، فریده؛ نوربالا، احمد؛ اژه ای، جواد و رسول زاده، سید کاظم، بررسی تاثیر مداخلات خانواده درمانی راهبردی  
در اختلاف های زناشویی. مجله روان شناسی، ۱۳۸۲، سال هفتم. شماره ۴، ص ۲۳۲.
- مهدویان، فاطمه، بررسی تاثیر آموزش ارتباط بر رضامندی زناشویی و سلامت روانی. پایان نامه کارشناسی ارشد.  
انستیتو روانپزشکی تهران، ۱۳۷۶.
- میرعالی، سیدابراهیم؛ فلاح چای سیدرضا و زارعی، اقبال، بررسی رابطه بین اعتماد در روابط با روابط نزدیک بین فردی  
زوجین، کنگره ملی خانواده سالم، انجمن های علمی، انجمن مشاوره ایران، دانشگاه شهید چمران، ۱۳۹۴، دوره ۱.
- میرعالی، سیدابراهیم؛ فلاح چای، سیدرضا و زارعی، اقبال، رابطه اعتماد و دلبستگی با روابط نزدیک بین فردی زوجین  
شهر بندرعباس پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هرمزگان، ۱۳۹۱.
- Blomqvist, Kirsimarja & Stahle, Pirjo (2000), Building organizational Trust, Scandinavian Journal of Management, No. 20
- Chaturvedi, Sankalo & Gaur, Ajais, (2002), Adynamiuc model of trust and commitment development in strategic alliances, Department of Management and Organization, National univeraity .of Singapore
- Gottman, J. M. (1994). What predicts divorce: The relationship between marital process and marital outcomes. Hills Dale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- McAllister, D.J. (1995), Affect- & cognition-based trust as foundations for interpersonal cooperation in organizations, Academy of Management Journal, 38(1), 24-59
- Saunders, Mark N.K & Thornhill, Adrian (2003), Organizational Justice, Trust and the management of change An exploration, Personnel Review, Vol. 32, No. 3

Arch

